

نگاهی دیگر به اصلاحات مالیاتی ساسانیان در دوره‌ی خسروانوشیروان

دکتر حسین بادامچی^۱

مریم غلامی^۱

چکیده

در ایران زمان ساسانی، همانند تقریباً تمام دولت‌های باستانی، کشاورزی شکل غالب و برتر فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌داد. اکثر جمعیت‌ها در روستاها می‌زیستند و معیشت آن‌ها از طریق کشاورزی تأمین می‌شد و سرچشمه‌ی اصلی درآمد دولت از مالیات‌های کشاورزی تأمین می‌شد. عوامل متعددی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست به دست هم داد تا مقارن به قدرت رسیدن قباد اول شاهد نابسامانی‌ها در جامعه‌ی ایران عصر ساسانی باشیم. این نابسامانی‌ها که نارضایتی مردم را به دنبال داشت، از مسائلی چون جنگ ایران و هیاطله و پیامدهای آن، فشار بر طبقات فرودست جامعه به دلیل شیوه‌ی اشتباه مالیات‌گیری، خشک‌سالی و سرانجام ظهور مزدکیان که باعث ناآرامی مردم شد، ناشی می‌شد. همه‌ی این مسائل، شاهان ساسانی را واداشت که دست به اقدامات اصلاحی، به ویژه در زمینه‌ی مالیات‌ها، زنند. هدف این مقاله، بررسی اصلاحات مالیاتی خسروانوشیروان است. برای بررسی این موضوع در ابتدا شیوه‌ی مالیات‌گیری قبل از دوره‌ی خسرو، مورد توجه قرار گرفته و در ادامه به اصلاحات مالیاتی خسروانوشیروان و فواید و معایب این اصلاحات توجه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند

۱. گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مسئول مکاتبه: maryam.gholami@ut.ac.ir, mlbadamchi@yahoo.com

اگرچه این اصلاحات در ابتدای کار فواید در بر داشت، اما به دلیل توجه نکردن به برخی از مسائل طبیعی، چون خشک‌سالی، دارای معایبی نیز بود، که در این مقاله به آن‌ها اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: خسرو انوشیروان، ساسانیان، اصلاحات مالیاتی

مقدمه

به تخت نشستن خسرو اول که در تاریخ به لقب انوشیروان (روان نامیرا) معروف است، نقطه‌ی اوج مجددی را در تاریخ ساسانی به تصویر می‌کشد. با روی کار آمدن او، سرانجام یک دوره‌ی کشمکش طولانی میان دستگاه سلطنت و اقتدار نجبا به پیروزی سلطنت خاتمه یافت. مبالغه نیست اگر ادعا شود که این فرمانروا ساختار حکومتی جدیدی به وجود آورد و همانند نیای خود اردشیر بابکان، دین و دولت را در وجود شخص پادشاه دوباره متحد کرد. عصر خسرو را می‌توان دوران درخشان فرهنگ ایرانی در عهد ساسانی دانست.

خسرو انوشیروان، برای قدرت بخشیدن دوباره به دستگاه سلطنت بعد از شورش مزدکیان دست به اقدامات اصلاحی گسترده‌ای در کشور زد. از مهم‌ترین اقدامات اصلاحی او اصلاحات در امر مالیات‌گیری بود. مالیات در دروان باستان، همانند دوره‌ی معاصر، مهم‌ترین منبع درآمد دولت‌های بوده است. به همین دلیل دولت‌ها به امر مالیات‌گیری توجه خاص داشتند. اصلاحات مالیاتی خسرو در عین آن‌که به آشفته‌گی‌های اجتماعی عصر نظم می‌داد، موجب تقویت خزانه‌ی حکومت هم گردید.

این مقاله به دنبال پاسخ دهی این سؤال است که اصلاحات مالیاتی تا چه اندازه به نفع مردم و حکومت بوده است. بررسی منابع نشان می‌دهد، فایده این اصلاحات و نظم و ترتیبی که در گرفتن مالیات‌ها صورت گرفته است بیش از آن‌که به نفع مردم بوده باشد، به نفع خزانه دولت بوده است، و برخلاف این که اکثر منابع اصلاحات مالیاتی را عادلانه

دانسته‌اند. اشاره‌ی برخی از منابع نشان می‌دهد که این مالیات‌ها آن‌چنان که گفته شده، عادلانه و در راستای حل مشکلات مردم نبوده است. از مهم‌ترین معایب این اصلاحات را می‌توان توجه نکردن به مسائل طبیعی برشمرد.

نگاهی کوتاه به تاریخ دوره‌ی خسروانوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م)

خسرو اول که با لقب انوشیروان (روان بی مرگ، روح جاویدان) شهرت دارد، و با این که طبق وصیت قباد و تأیید بسیاری از نجبا و موبدان به قدرت رسید، اما از همان آغاز حکومت با مدعیان خانوادگی مواجه شد. خسرو در ابتدا به سرکوب شورش برادرش کاوس پرداخت. برادر دیگرش جم را که به تحریک عده‌ای از نجبا، ادعای سلطنت کرد، از میان برداشت. شورش مزدکیان را سرکوب کرد. طبق گفته‌ی مورخان، خسرو فرمان داد از هر گوشه و کناری مزدکیان را بجویند، همگی را اسیر ساخت و میان جادز (از توابع بغداد) و نهروان به بند کشید. ۸۰ هزار از آنان را به آنجا آورد و دستور داد زمین از خونشان سیراب سازند و آنان را یکباره از دم شمشیر گذارند. در این روز به انوشیروان نامیده گشت که به معنی شاه نو است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۱؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۵۸).

او، پس از سرکوبی مزدکیان، به سروسامان دادن اوضاع کشور پرداخت. دستور داد دختران بزرگزادگانی را که ولی شان در گذشته بود، با کسانی که لایق همسری آنان باشند ازدواج کنند و هزینه‌های آن را از بیت المال بپردازند، به فرمان وی، نهرها و روخانه‌ها را لارویی نمودند، کهریزها و قنوات را مرمت کردند؛ ساختمان‌ها و خانه‌ها را با دریافت کمک از بیت المال تعمیر نمودند. همچنین، دستور داد پل‌های شکسته و گذرگاه‌های ویران و سدهای خراب شده را تعمیر کنند. مشکلات سرداران را از حیث مال یا سوار و موارد دیگر جبران کرد. راه‌ها را مرمت نمود. در مسیر راه‌ها، کاخ‌ها و قلعه‌هایی برای سکونت و حفظ امنیت احداث کرد و حکام و عمال و کارگزارانی برای تصدی کارها انتخاب کرد (طبری، ۱۳۵۱: ۱۷۸).

مسکویه‌ی رازی در کتاب خود تجارب الامم می‌گوید: خسرو «شیوه اردشیر را نو کرد. در اندرزنامه‌اش نیک نگرست و خویشان را بر آن وداشت و توده و ویژگان را بر پایه آن بفرهیخت. در شیوه‌های مردمان دیگر پژوهش کرد و آن چه نکو دید برگزید... از مانویان، گروهی را نابود کرد و آیین زردشتی کهن را استوار ساخت» (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۶۲).

خسرو انوشیروان در سال‌های پایانی عمر، قلمرو خود را تا یمن در جنوب شبه جزیره‌ی عربستان گسترش داد. با آغاز فرمانروایی وهرز (حدود ۵۷۰ م)، یمن به صورت یکی از مرزبانی‌های ایران درآمد که مالیات سالانه‌ی آن به تیسفون فرستاده می‌شد (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۷۱).

خسرو انوشیروان، بعد از ۴۸ سال سلطنت، یا به قولی ۴۷ سال و هفت ماه، در حدود سال ۵۷۹ میلادی در گذشت (مقدسی، ۱۳۷۴: ۵۱۸).

مالیات دوره‌ی ساسانی پیش از خسرو انوشیروان

درباره‌ی مالیات ساسانیان پیش از اصلاحات خسرو، اطلاعات ما بسیار اندک است. اطلاعاتی که کتاب‌های عربی-اسلامی در خصوص مالیات بیان می‌شود، همه مربوط به دوره‌ی خسرو انوشیروان و در ارتباط با اصلاحات اوست. منابعی چون تاریخ طبری فقط اشاره کنند که قبل از دوره‌ی خسرو انوشیروان، از محصولات چه مقدار مالیات گرفته می‌شد. طبری در این باره می‌گوید: «پادشاهان ایران قبل از کسری انوشیروان، مالیات را از شهرستانهای کشور خود به شرط اینکه معمور و آبادان باشد بطور مختلف دریافت می‌کردند. بعضی از آنها را به پرداخت یک ثلث، برخی یک ربع و پاره‌ای یک خمس و بعضی دیگر یک سدس درآمد پرداخت می‌نمودند. از مالیات سرانه هم میزان معینی دریافت می‌کردند» (طبری، همان: ۱۹۹).

در روایت طبری اشاره نمی‌شود که این مبالغ را از چه محصولاتی می‌گرفتند، بلکه فقط می‌گوید مبنای این درجه بندی آبرگیری و آبادانی هر منطقه بوده است. اما مؤلف

گمنام نهاییه الارب در این باره می‌گوید: «... ملوک عجم قبل از کسری چون در ممالک قسمتی کردند، از طایفه‌ای نصف محصول و از بعضی ثلث و از گُروم (تاکستان) ربع و خمس تا به عشر هر کس و رِیع (محصول) غلات و ثمار و اشجار می‌ستند و بر طایفه‌ای حیف و جور بود و بر بعضی میل و تعصب» (نهاییه الارب، ۱۳۷۳: ۲۹۵).

دینوری هم بیان می‌کند که پادشاهان ایران از محصولات زمین‌های زراعتی براساس نصف و ثلث و ربع و خمس تا عشر مالیات می‌گرفتند و زیادی و کمی مالیات به نزدیکی و دوری مزارع از شهرها و مقدار و ارزش نوع محصول بستگی داشت (دینوری، ۱۳۴۶: ۷۵). بلعمی، مبالغ مالیات را از هر شهر پارس و عراق، ده یک، یا پنج یک، یا شش یک و یا بیست یک می‌داند (بلعمی، ۱۳۸۶: ۹۰۹). ابن مسکویه‌ی رازی نیز میزان مالیات را از برخی یک چهارم، از برخی دیگر، یک پنجم و از دیگران، یک ششم، بر پایه‌ی چند و چون آب و آبادانی‌ای که از آن برخوردار بودند، به صورت باج بیان می‌کند و می‌گوید سرانه نیز به اندازه می‌ستاندند (ابن مسکویه، همان: ۱۶۶).

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، در منابع راجع به این‌که مالیات قبل از دوره‌ی خسرو انوشیروان چگونه و از چه محصولاتی گرفته می‌شد، و اینکه آیا نقدی یا جنسی بوده است، اشاره نمی‌شود. بنابراین، اطلاعات ما درباره‌ی مالیات دوره‌ی ساسانی، به بعد از اصلاحات خسرو اوّل برمی‌گردد. به نظر می‌رسد که مالیات قبل از دوره‌ی مورد نظر، به صورت ارزیابی محصول متناسب با عملکرد سالیانه‌ی زمین گرفته می‌شد. ظاهراً مأموران مالیاتی در محل محصول را ارزیابی می‌کردند و سهم دولت را برمی‌داشتند. اما این روش معایب بسیاری داشت چنان‌که، در منابع هم اشاره شده است، کشاورزان تا زمانی که مأموران ارزیابی مالیات نمی‌آمدند. حق نداشتند به محصول خود دست زنند. تأخیر مأموران در این روش مالیاتی باعث می‌شد که گاه محصول پیش از آمدن مأموران دولتی فاسد بشود و یا از بین برود. بنابراین، روش یاد شده، آن‌گونه که منابع گفته‌اند، به ضرر حکومت و کشاورزان بوده است.

انگیزه‌ی اصلاحات مالیاتی

قباد اول (۴۸۸-۴۹۶ و ۴۹۹-۵۳۱ م) را باید آغاز گر اصلاحات مالیاتی گسترده در جامعه‌ی عصر ساسانی دانست. اصلاحاتی که بعد از او توسط پسرش خسرو انوشیروان کامل گردید و بیشتر نیز با نام او در تاریخ به ثبت رسید. عوامل متعددی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست به دست هم داد تا مقارن با به قدرت رسیدن قباد، شاهد اوج گیری نابسامانی‌هایی در جامعه‌ی ایران عصر ساسانی باشیم. این نابسامانی‌ها که نارضایتی مردم را به دنبال داشت، از مسائلی چون جنگ ایران و هیاطله و پیامدهای آن، فشار بر طبقات فرودست به دلایلی چون میزان و شیوه‌ی پرداخت مالیات، قحط سالی و سرانجام ظهور مزدکیان سرچشمه می‌گرفت. همه‌ی این مسائل، حکومتگران ساسانی را بر آن داشت تا دست به اصلاحات وسیعی، به ویژه در نظام مالیاتی، بزنند.

در اواخر قرن پنجم میلادی، سنگینی بار مالیات بر دوش کشاورزان، به نظر می‌رسد به طور فزاینده‌ای ظالمانه و تحمل ناپذیر شده بود. جنگ با هیاطله منجر به باج‌های سنگین شده بود. هرچند قحطی‌های مکرر باعث شد پادشاهان مالیات را گاه به گاه ببخشند، اما اصلاحات مالیاتی به طور کامل و مناسب صورت نگرفته بود. این ظلم و بی‌عدالتی، کمک قابل توجهی به محبوبیت و موفقیت موقت مزدک و نظریات وی کرد. هرچند شورش بعدها سرکوب شد، اما به نظر می‌رسد یکی از نتایج سودمند این شورش توجه شاهان ساسانی به منظور بهبود وضع مردم بوده باشد.

اصلاحات مالیاتی را می‌توان تا حدودی از تأثیرات جنبش مزدکیان شمرد. خسرو کوشید بار دیگر آرامش و نظم را ایجاد کند (شیمان، ۱۳۸۴: ۵۸). ظاهراً شاهان ساسانی برای آرام کردن مردم دست به اقدامات اصلاحی گسترده‌ای، به خصوص در زمینه‌ی مالیات، زدند.

انواع مالیات‌ها

در دوره‌ی ساسانی، عایدات عمده‌ی دولت به صورت مالیات ارضی (خراگ) و مالیات سرانه (گزیت) بود (کریستن سن، ۱۳۱۴: ۸۲). اصل واژه‌ی خراج ظاهراً آرامی هلاک (Halak) و پهلوی خراگ (Xarag) است. احتمالاً خراج به معنای اعم، بر مالیات ارضی و مالیات سرانه استعمال می شده است. سرگزیت یکجا به صورت سالانه بر عموم به مبلغی معلوم وضع می شد. توزیع خراج بر مردم به صورت مقاسمه بود: بنا بر شیوه‌ی مقاسمه، عامل خراج، محصول را در خرمن و میوه‌ها را پیش از چیدن می بایست ارزیابی می کرد. کشاورزان جرئت نداشتند که پیش از قسمت کردن محصول، دست به میوه‌ی رسیده بزنند (همان: ۸۳؛ خسروی، ۱۳۸۰: ۱۳).

در شیوه‌ی مقاسمه، دولت شریک کشاورز در محصول او محسوب می شد و به تناسب محل، چند یا یک اصل، محصول را به خراج می گرفت (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱۰۰). تقویم مالیات دیوانی از طریق تثبیت مقدار معینی از محصول صورت می گرفت (لمتون، ۱۳۴۵: ۵۸). آفات زمینی و آسمانی هم موجب تخفیف در خراج نمی شد. مقاسمه، هم در زراعت و هم باغداری هر دو رواج داشت (خسروی، همان: ۱۴).

بنابراین همان طور که مشاهده نمودیم، شیوه‌ی مالیات‌گیری در دوره‌ی قبل از خسرو انوشیروان، به صورت مقاسمه بود. در این شیوه، چون کشاورزان تا قبل از رسیدن مأموران ارزیابی، حق نداشتند به محصول دست بزنند؛ گاه محصول خراب و یا فاسد می شد و هم کشاورزان ضرر می کردند و هم خزانه‌ی کشوری از مالیات بی نصیب می ماند. به همین دلیل قباد اول تصمیم گرفت این شیوه‌ی مالیاتی را تغییر دهد و شیوه‌ی برقرار کند که هم کشاورزان دچار ضرر و زیان نشوند، و هم به نفع خزانه‌ی کشور باشد. قباد دستور داد زمین‌ها را مساحی کنند تا بر حسب مساحت مالیات‌ها را تعیین کنند، اما پیش از این که این کار عملی شود، از دنیا رفت. پیش از قباد اول هیچ ممیزی ارضی و در

ارتباط با آن، مالیات زمین بارده وجود نداشت. مالیات نه بر مبنای بزرگی و کیفیت زمین بارده زراعی، بلکه بر پایه‌ی برداشت حقیقی محصول متغیر سال به سال محاسبه می‌شد. پیوستگی مالیات ارضی و سرانه، چنان‌که در املاک روستایی سنگینی می‌کرد، در شهرها ملاحظه نمی‌شد. یک کارگاه پیشه‌وری یا یک شرکت تجاری زیر پوشش مالیاتی قرار نمی‌گرفت. اقتصاد کشاورزی ساسانی به دو بخش تقسیم می‌شد: در یک سو، مناطقی که زیر حاکمیت مستقیم شاه قرار داشت، و از سوی دیگر، زمین‌هایی که متعلق به اشراف زمیندار بود و قدرت مرکزی در آنجا فقط با واسطه عمل می‌کرد. اصلاحات مالیاتی که با مساحی نواحی آباد زراعی در زمان قباد اول آغاز شد و در عهد حکومت خسرو اول به انجام رسید، براین نیت بود که مالیات‌گیری مستقیم را که تا آن زمان فقط در کوره‌های وابسته به شهرها ممکن بود، در تمامی نقاط دیگر گسترش دهد. این هدف در دوره‌ی خسرو انوشیروان محقق شد (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۲).

اصلاحات مالیاتی دوره‌ی خسرو انوشیروان

از دوره‌ی قباد، کار مساحت زمین‌ها آغاز شد و توسط خسرو کامل گردید. قوانین مالیاتی جدیدی وضع شد که در آن کشاورز سالیانه نسبت به نوع محصول و میزان کشت خود خراج مقطوعی می‌پرداخت.

ابن مسکویه نامه‌ای از انوشیروان را که درباره‌ی زندگی و کشورداری خویش نوشته است، نقل می‌کند. در این نامه خسرو هدف خود از اصلاح مالیاتی را چنین ذکر می‌کند: «چون بر آن شدم تا خود به پیگیری کار مردم بپردازم و گرفتاری و ستم را از آنان بردارم و سنگینی باج بر آنان سبک کنم - چه، این فزون برپاداشی که در آن ملت مایه‌ی بهبود کشور و بی‌نیازی مردم گردد و به شهریار توان دهد تا به هنگام نیاز، باج بایسته از ایشان بستانند...» (مسکویه، همان: ۱۷۱).

چند تن از مورخان اطلاعاتی درباره‌ی اصلاحات مزبور داده‌اند، ولی مشروح‌ترین مطالب را در اثر طبری می‌توان یافت. براساس گزارش طبری، «قباد پسر فیروز در اواخر

ایام سلطنت خود فرمان داد زمینهای زراعت را مساحی کنند تا دریافت خراج از آنها عادلانه صورت گیرد. کارگزاران چنان کردند اما شاه پیش از پایان کار مساحی درگذشت و انوشیروان فرمان داد مساحی را انجام دهند. و اضافه نمود که باید تعداد درختهای نخل و زیتون را در سرتاسر کشور ضبط نمایند و کسانی را که باید مالیات سرانه پردازند نیز سرشماری کنند. سپس دبیران را فرمود تا مجموع هریک از اقسام مختلف مالیات را معین کردند و بارعام داد و فرمان داد مقرراتی را که در جهت دریافت انواع مالیات منظور گردیده است بر آنان بخوانند... همگی متفق شدند که خراج مملکت را به مداری اختصاص بدهند که مدار معیشت انسان و حیوان باشد از قبیل گندم، جو، برنج، انگور، اسپست (خوراک اسب)، نخل و زیتون. از هر یک جریب مزرعه گندم و جو یک درهم، از هر یک جریب مزرعه انگور هشت درهم، از هر یک جریب اسپست هفت درهم، از هر چهار نخل فارسی یک درهم، از هر شش درخت غیر مرغوب یک درهم و از هر شش درخت زیتون یک درهم. و سایر غلات را از دادن مالیات معاف داشتند. مردم از حیث زندگانی تقویت یافتند» (طبری، ۱۳۵۱: ۱۹۹).

براساس گزارش طبری، می‌بینیم که تمام زمین‌های کشاورزی و نخلستان‌ها و درختان زیتون مورد سرشماری قرار گرفتند. وجوه مالیاتی که تعیین شدند، قابل توجه هستند. این وجوه نشان می‌دهند که مالیات‌ها با دقت بسیار و با توجه به وضع کشاورزان مشخص شده است. در این فهرست مالیاتی، می‌بینیم که میزان مالیاتی که به کشت گندم و جو اختصاص یافته، کمتر از دیگر محصولات است؛ چون گندم و جو غذای اصلی مردم به ویژه کشاورزان را تشکیل می‌داد و دولت ظاهراً سعی کرده که مالیات کمتری از آنان وصول کند. به عکس، میزان مالیات باغ انگور (۸ درهم) از همه‌ی مالیات‌ها بیشتر است. این شاید عادلانه باشد، چون نگهداری از تاکستان‌ها آسان‌تر و در جای نسبتاً گرم، هزینه‌ی آن کمتر است.

طبری، مقدار خراج هر جریب شالیزار را ذکر نمی کند اما مسعودی می گوید که برای برنج نیم درهم مالیات تعیین شده بود (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۶۲). براساس گزارش مسعودی، مالیات برنج از همه کمتر بوده است. برنج در همه جا پرورش نمی یابد. شاید به همین دلیل مالیات آن کمتر بوده است.

خراج اسپست، یا همان یونجه، ۷ درهم در هر جریب بوده است. شاید علت گرانی آن این بوده که یونجه از روزگار کهن در ایران کشت می شد و معمولاً یک بار کشت آن برای چند سال کافی بوده و گفته شده در حدود ۵ بار در سال می توان آن را چید. کشت آن کم زحمت تر از سایر محصولات بود. معمولاً کسانی که دارای اسبان خوب و آخورهای بزرگ اسب بودند، دارای زمین هم بودند تا برای اسب خوراک آماده کند و این گروه که اغلب مالکان بزرگ بودند، می توانستند به آسانی خراج ۷ درهم را پردازند (ابراهیم زاده، ۱۳۵۰: ۱۸-۱۹).

خرما چون در سرزمین خشک محصول بیشتر و مرغوب تری می داد، از این رو خرمای فارس ممتازتر و مالیاتش بیشتر بوده است (سامی، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

بر سبزیجات، کنجد، حبوبات، صیفی جات و پنبه، مالیات تعلق نمی گرفت. علت آن شاید این بوده باشد که این محصولات را برای مصرف خود مالک و خانوار تولید می کردند. تک نخل ها نیز از مالیات معاف بودند، چون فرض بر این بود که رهگذران ممکن است میوه های آن را بچینند و مصرف کنند (ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۲۳۶).

مبلغ مالیاتی که بر مبنای این نمودارها تعیین شد، برای ایالت و یا ولایت مربوطه دایمی بود و می بایست سالیانه در سه قسط پرداخت می شد (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۴۶: ۱۱۹).

در گزارش طبری آمده است که خسرو انوشیروان انجمنی را برای تثبیت نرخ های مالیاتی تشکیل داده است. این مجمع برای تثبیت مالیات ارضی جدید مأمور شد. منابع به ما نمی گویند که چه کسانی دعوت شده بودند؛ ولی گمان نمی رود به این مجلس جز

مالکان و بزرگان و کارمندان دولت، کسی دیگر را خوانده باشند. خسرو اول در آن مجلس خاطر نشان ساخته بود که مبلغ محاسبه شده از زمین مزروع، با در نظر گرفتن تعداد نخل‌های خرما و درختان زیتون اخذ می‌گردد. سرشماری به عمل آمده و عده‌ای افراد واجد استعداد کار معین شده بود و بر اثر تعیین مبلغ خراج، وجوه لازم به خزانه‌ی دولت می‌رسید، و در صورت وقوع جنگ، لازم نبود با وضع مالیات‌های جدید موجب مزاحمت برای اهالی گردند (همان جا).

پس از قرائت پیام خسرو، به حضار تکلیف شد نظر خود را اظهار کنند. یکی از دبیران جسارت کرد و گفت: «... آیا می‌خواهی این خراج را جاودانه بر چیزی فانی، چون زرعی که خشک تواند شد و کشتی که نابود تواند گشت و جویی که بی آب تواند ماند و چشمه و کاریزی که آبش فرو تواند نشست، ببندی» (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). ظاهراً دبیر حضار را متوجه جنبه‌ی ضعف روش جدید کرده و لزوم تجدید نظر در فهرست‌های مالیاتی را خاطر نشان ساخته است.

مالیات براساس نرخ درهم محاسبه شده بود. ابن رسته می‌گوید، مقدار مالیاتی که برای قباد فراهم شده به نقره بود (ابن رسته، ۱۲۰: ۱۳۶۵)؛ اما احتمالاً برخی از مالیات‌ها به صورت جنسی هم داده می‌شد. نظام مالیات‌گیری جدید به صورت مؤثر اعمال شد و پادشاه را در پیش بینی درآمدها و هزینه‌های بودجه قادر ساخت (Rubin, 2009).

اصلاحات مالیاتی باعث افزایش مالیات شده بود. ابن خردادبه در کتاب خود آورده است که مقدار مالیات سواد که در دوره‌ی قباد ۱۵۰ میلیون درهم نقره بوده، در دوره‌ی خسرو پرویز در سال ۱۸ پادشاهیش چهارصد و بیست هزار هزار مثقال شده، و مالیات کشور به ۶۰۰ هزار هزار مثقال رسیده بود (ابن خرداد به، ۱۳۷: ۱۳-۱۴). با توجه به این که اصلاحات خسرو اول تا دوره‌ی اسلامی، طبق گفته‌ی مورخان، ادامه یافته است. این تفاوت وجوه مالیات قبل از دوره‌ی قباد و بعد از دوره‌ی او، نشان می‌دهد که اصلاحات یاد شده باعث افزایش بودجه‌ی خزانه‌ی کشوری شده است.

ظاهراً در این شیوهی مالیاتی، عواملی چون فجایع طبیعی، خشکسالی و یا جنگ را، که گاه باعث نوساناتی در امور کشاورزی و کشت می‌شود، نادیده گرفته‌اند. با این حال، اکثریت منابع اسلامی ارزیابی مثبتی درباره‌ی این اصلاحات دارند و بیشتر مورخان به انوشیروان لقب عادل یا دادگر داده‌اند. مسعودی می‌گوید: «انوشیروان ۴ انگشتی داشت که یکی خاص مالیات بود که نگین عقیق داشت و نقش آن عدالت بود...» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۶۲). انوشیروان می‌گفت: «پادشاهی به سپاه است و سپاه به مال و مال به خراج و خراج به آبادی و آبادی به عدل و عدالت به اصلاح عمال است و اصلاح عمال به درستکاری وزیران است و سرهمه اینست که شاه مالک نفس خویش باشد و آنرا تأدیب کند که مالک و نه مملوک آن باشد» (همان: ۲۶۴).

مالیات سرانه

به نظر می‌رسد مالیات سرانه را کسانی که مالیات ارضی نمی‌دادند، می‌پرداختند. اگرچه گزارش طبری به صراحت این مسئله را نشان نمی‌دهد. اما از گزارش او می‌توان استنباط کرد که مالیات سرانه را کسانی که زمین‌های کشاورزی و یا باغ نداشتند، می‌دادند. به گفته‌ی طبری، بزرگان و اشراف و کسانی که در خدمت شاه بودند، از مالیات سرانه معاف بودند. می‌دانیم که بزرگان و اشراف زمین‌ها و باغ‌هایی داشته‌اند، و به همین دلیل، مالیات ارضی به آنان تعلق می‌گرفت. شاید همین مسئله باعث شده بود که خسرو آن‌ها را از مالیات سرانه معاف دارد.

در گزارش طبری آمده است که «... مقرر شد همه طبقات مردم به استثنای خاندان، بزرگان، لشکریان، هیربدان، دبیران و خدمتگزاران شاه و دولت مکلف به پرداخت مالیات سرانه باشند. این وجوه را به چند درجه طبقه بندی کردند: ۱۲ درهم، ۸ درهم، ۶ درهم، ۴ درهم، که نسبت به زیادی و کمی درآمد اشخاص متفاوت باشند. افراد کمتر از ۲۰ و بیشتر از ۵۰ سال از پرداخت جزیه بطور کلی معاف بوند» (طبری، همان: ۲۰۱؛ نولدکه،

بلعمی در ترجمه‌ی خود اضافاتی دارد؛ او می‌گوید: «... هر که اندر پادشاهی بود که نه بر دین او بود از جهود و ترسا و آن را که صنعت نبود که خراج دادی، بر سر او جزیت برنهاد. از ۶ درم تا ۷ درم تا ۱۲ درم. هرچه زن بودی از وی چیزی نستد و هر که کودک و خرد بود کمتر از ۲۰ و بیشتر از ۵۰ از وی چیزی نستد» (بلعمی، ۱۳۸۶: ۹۱۰). در گزارش بلعمی می‌بینیم که او بیان کرده، کسانی که خراج نمی‌دادند، مالیات سرانه می‌دادند و این که چنین مالیاتی از یهودیان و مسیحیان نیز گرفته می‌شد. دینوری اضافه می‌کند که بینویان و مبتلایان به بیماری مزمن، از دریافت مالیات سرانه و خراج غلات معاف بودند. و در مالیات محصولات آفت زده هم نسبت به زیان، تخفیف به عمل آمد (دینوری، ۱۳۴۶: ۷۶).

طبق گفته‌ی طبری، وجوه مالیاتی را به طور عموم سالی سه مرتبه تحصیل می‌کردند، یعنی در سه قسط چهار ماهه، و هر قسطی را ابراسیار، یعنی عمل رضایت آمیز، نامیدند (طبری، همان: ۲۰۱). طبری مشخص نمی‌کند که آیا هر دو مالیات را سالی سه بار می‌گرفتند یا نه. ابن بلخی در فارسنامه اشاره می‌کند که مالیات سرانه را سالی یک‌بار می‌گرفتند. «جزیه سرانه از توانگران ۱۲ درم، میانه تر ۸ درم و کمتر ۴ درم و به هر سال یکبار ستندندی. چون به این طریق قانون خراج بنهاد بر استمرار تخفیفی تمام در حق رعایا پیدا گشت. و جهان رو به آبادانی نهاد و جهانیان به او عادل لقب نهادند» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

مسکویه رازی بیان می‌کند که: «... باج سالانه را در سه بهر ستانند و آن را همداستانی بنامید، یعنی باجی که همه بدان خشنود بودند. بعدها عمر باج سرانه را بر همین آیین بستاند» (ابن مسکویه رازی، همان: ۱۶۸).

آلتهایم در کتاب خود، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، معتقد است که مالیات سرانه، همانند مالیات ارضی، باجی بود که تنها اهالی روستایی را دربر می‌گرفت. دارایی اهالی روستایی فقط زمین بود که مشمول مالیات ارضی شده بود (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۴۴).

اما به نظر نمی‌رسد که مالیات سرانه فقط مربوط به روستاییانی می‌شده است که دارای زمین باشند چون بنا بر تاریخ بلعمی، جهود و ترسایان نیز باید این مالیات را می‌دادند، و روستاییان که دارای زمین بودند مالیات ارضی می‌پرداختند. به نظر می‌رسد، با توجه به منابع، مالیات سرانه متعلق به کسانی بوده است که مالیات ارضی نمی‌دادند.

دیوان خراج

خسرو دستور داد مقررات مالیاتی در سه نسخه ثبت شود: یک نسخه در دیوان شاهنشاهی بایگانی گردد؛ یک نسخه به عنوان دستورالعمل مالیاتی به دیوان خراج فرستاده شود، و نسخه سوم را برای قضات و داوران دولت به شهرستان‌ها ارسال دارند، تا به موجب آن، مالیات دریافت شود و از احجاف به رعیت و مطالبه‌ی مالیات غیرقانونی جلوگیری به عمل آید. نیز مقرر داشت که مالیات کشور را در سه موعده وصول کنند. دیوانی را که مکلف به انجام دادن امور کل مالیاتی بود، سرای شماره نامیدند که یعنی دیوان اقساط سه گانه‌ی مالیاتی. بعضی معتقدند مقصود از شماره، شماره و حساب است و سرای شماره یعنی اداره‌ی حسابداری کل (دینوری، همان: ۷۵-۷۶). طبق گفته‌ی خوارزمی، خطی خاص نوشتن حساب‌های خزانه در دوره‌ی ساسانی به نام گنج هماردقیره وجود داشته است (خوارزمی، ۱۱۳: ۱۳۴۷).

چون منطقه بندی مالیاتی ساسانی تا زمان عباسیان ادامه داشت، از فحای کتاب‌های دوره‌ی اسلامی برمی‌آید که در زمان ساسانیان، هر ناحیه‌ی مستقلی را کوره یا استان می‌گفتند. هر استان به چند تسو (طسوج) و هر طسوج سپرده به گهبذ یا تحصیلدار جداگانه‌ای بود (مشکور، ۸۶۱: ۱۳۶۶).

اصلاحات مالیاتی خسرو اول، دگرگونی‌هایی در جامعه ایجاد کرد. برای اولین بار تمامی درآمدهای حاصل از مالیات سرانه و ارضی بی‌کم و کاست سرازیر خزانه‌ی شاهی شد. نظام جدید مالیاتی بی‌شک در سیاست خارجی انوشیروان نیز تأثیر گذاشت. بروکویوس که شرح جنگ‌های ایران و روم را در دوره‌ی خسرو اول ضبط کرده است،

مبالغ حاصل از تهاجمات چپاولگرانه‌ی شاه را قید می‌کند و به عواید سرشاری اشاره نموده که این غنایم و باج‌ها در کنار درآمد بودجه‌ی رسمی، نصیب خزانه‌ی شاهی شده است. اصلاح بزرگ مالی در زمان خسرو انوشیروان، نقطه عطفی در تاریخ بودجه‌ی ساسانی بود. برای نخستین بار قدرت مالکان ارضی پس رانده شد و تمامی درآمد مالیاتی در اختیار شاه قرار گرفت (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

واستریوشان سالار رئیس مالیات ارضی بود. لفظ واستریوشان سالار یا واستریوش بد، به معنی رئیس فلاحان است. مالیات ارضی بیشتر از فلاحان گرفته می‌شد، و چون میزان خراج را از روی حاصلخیزی زمین و خوبی و بدی محصول هر بلوکی تشخیص می‌دادند، مسلماً واستریوشان سالار مامور بود که در باب محصول و زمین و آبیاری و سایر امور فلاحتی مراقبت کند. آمارگران نیز مأموران وصول و رؤسای محاسبات بودند (کریستن سن، همان: ۸۷). مبلغ پول وصول شده در شعب مالی را با صدای بلند در حضور شاه می‌خواندند. واستریوشان سالار همه ساله صورتی از عایدات مالیات‌های مختلف و وضع خزانه را به حضور شاه عرض می‌نمود و پادشاه آن را مهر می‌کرد (همان: ۲۸۳).

دهقانان

در دوره‌ی متأخر ساسانی، یک قشر خرده مالک اشرافی به نام دهقانان (دیپکانان) ظاهر شدند. یادکردها از دهقانان به دروه‌ی خسرو انوشیروان برمی‌گردد. شاه به این طبقه که خود ساخته بود، زمین هم داد. هدف او این بود که در صفوف اشراف زمیندار کسانی را وارد کند که وابسته بدو باشند. این قشر خرده مالک و از نجبا احتمالاً با واگذاری زمین و پول و دیگر کمک‌های اقتصادی، به دست شاه ایجاد شده است (آلتهایم، همان: ۱۵۹).

خسرو اول، قدرت اشراف و زمینداران بزرگ را به آنان بازنگردانید، بلکه سیاستی به سود زمینداران کوچک مرفه (دهقانان) در پیش گرفت. دهقانان از نظر نظامی ستون فقرات ارتش ساسانی را تشکیل می‌داند و از لحاظ اقتصادی نیز گردآوری مالیات یعنی شالوده‌ی اقتصاد کشور را بر عهده داشتند (دریایی، ۱۳۸۳: ۴۵). مالیات‌های مستقیم که بر

زمین و روستاییان وضع شده بود، از نقشی که طبقه‌ی ملاک به عنوان طبقه‌ی متوسط میان مردم عادی و دربار برعهده گرفته بودند، بسیار کاست (فرای، ۱۳۸۲: ۵۲۵). دهقانان عامل مهمی در اجرای طرح خسرو اول در زمینه‌ی مالیاتی بودند. مسلمانان پس از تسلط بر ایران برای جمع آوری خراج، به دهقانان که اطلاعات صحیحی راجع به مالیات‌های محلی داشتند، نیازمند شدند (هوار، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

اصلاحات مالیاتی و شیوه‌ی رومیان

آلتهایم معتقد است که نظام مالیاتی انوشیروان به دیوکلستین و جانشینان وی باز می‌گشت. دیوکلستین آن را وضع کرد و انوشیروان بسط داد (آلتهایم، همان: ۱۶۶). این نظام مالیاتی فرآورده‌های املاک و مالیات سرانه و مالیات ارضی و نیروی کار را به هم پیوست. از این پس تمام کشور مشمول پرداخت مالیات می‌شد و مبالغ وصول شده تنها به شاه تعلق می‌گرفت (آلتهایم، ۱۳۶۹: ۱۶۵).

پیگولوسکایا هم بیان می‌کند که به‌طور عمده نظام مالیاتی جدید و چگونگی اخذ مالیات در نواحی غربی ایران با نظام مالیاتی روم شرقی (بیزانس) شباهت بسیار داشت. تنظیم فهرست مالیاتی در زمینه‌ی اخذ مالیات‌های ارضی و سرانه در استان‌ها آسیایی روم شرقی و مجموعه‌ی نظام مذکور در تنها اثری که از آن روزگار برجای مانده است، یعنی مجموعه قوانین سوریایی سده‌ی پنجم میلادی معلوم و مشخص است. معلوم است که گروهی از سوریاییان در دربار قباد و خسرو از مقام و مرتبتی والا برخوردار بودند. اینان به دستور شاه به ترجمه نوشته‌های یونانی و سریانی اشتغال داشتند. از این‌جا برمی‌آید که نظام مالیاتی رومیان و شیوه‌ی اخذ آن در ایران شناخته شده بود (پیگولوسکایا، همان: ۴۵۴-۴۵۵).

در مقابل، زیو رابین این مسئله را رد می‌کند و معتقد است که اصلاحات خسرو ریشه در پیش زمینه‌ای داشته که در خود ایران بوده و از دوره‌ی قباد شروع شده بود. او بیان می‌کند که بیش از دو قرن بین دو نظام مالیاتی فاصله وجود دارد و در ایران به اندازه‌ی

کافی زمینه برای محاسبه و ابداع شیوه‌ی مالیاتی، بدون توسل به شیوه‌ی رومیان، وجود داشته است (Rubin2009). به علاوه، نویسنده‌ی تاریخ قم بیان می‌کند که اولین کسی که پرداخت خراج را معمول کرد، اردشیر بابکان بود. او اضافه می‌کند که ایرانیان از خراج نفرت داشتند و می‌گفتند که مقاسمه عادلانه تر است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۳).

اگرچه نمی‌توان این احتمال را نادیده گرفت که شاید ایرانیان دوره‌ی خسرو انوشیروان با شیوه‌ی مالیاتی رومیان آشنا شده باشند، اما طبق گفته‌ی منابع، خسرو اول این اصلاحات را بلافاصله بعد از به قدرت رسیدن انجام داد و هیچ‌کدام از منابع اسلامی اشاره نمی‌کنند که این شیوه از رومیان گرفته شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد، برخلاف گفته‌ی مورخان غربی، این اصلاحات احتمالاً از پیش زمینه‌ای که در خود ایران در دوره‌های قبل وجود داشته، بهره گرفته است. اگر چه اظهار نظر قطعی در این باره منوط به بررسی منابع رومیان نیز هست، اما چون هدف این پژوهش بررسی این مسئله نیست، از پژوهش بیشتر در این مسئله صرف نظر می‌شود.

نتایج اصلاحات مالیاتی

منابع دست اول نتیجه‌ی اصلاحات مالیاتی را مثبت ارزیابی کرده‌اند. اکثریت منابع متفق القول به خسرو اول، لقب عادل یا دادگر داده‌اند. منابع اسلامی از نتایج منفی این اصلاحات حرف نمی‌زنند و بیان می‌کنند که شیوه‌های مالیاتی خسرو انوشیروان، بعدها توسط خلیفه عمر مورد استفاده قرار گرفت. چنان‌که، طبری در این باره می‌گوید: «... وقتی عمر ایران را فتح کرد، همین مقرارت را برای دریافت جزیه و خراج به موقع اجرا گذاشت و دستور داد به موجب آن با اهل ذمه رفتار کنند. عمر هیچ یک از مقرارت مالیاتی انوشیروان را در عراق، مخصوصاً آنچه بستگی به محصول زمین و نخل و زیتون و باج‌های سرانه داشت، تغییر نداد و آنچه را کسری از مستمری‌ها لغو نموده بود، نیز ملغی ساخت» (طبری، همان: ۲۰۱).

ظاهراً عمر این مقرارت را به دلیل دقت و نظم در گرفتن مالیات از مردم، همچنان ادامه داد. به غیر از طبری، مورخان دیگر هم اشاره می‌کنند که شیوه‌های مالیاتی خسرو توسط مسلمانان بعد از فتح ایران مورد استفاده قرار گرفت. اما با این حال، در منابع اسلامی تنها نویسنده‌ی گمنام نه‌ایه‌الارب اشاره کرده است که مردم عراق از این اصلاحات ناراضی بودند و می‌خواستند به شیوه‌ی سابق (مقاسمه) از آنان مالیات گرفته شود. «اهل عراق بدان راضی نمی‌شدند و فریاد و استعانت می‌کردند از خاصه ایشان خراج منع کرد و باز به مقاسمه اولی قناعت نمود» (نه‌ایه‌الارب، ۱۳۷۳: ۲۹۹)

گیرشمن نیز معتقد است که دولت برای زمین و افراد نرخی تعیین کرده بود که از استعداد مردم خارج بود و برای اخذ آن به قوه‌ی قهریه متوسل می‌شد. مالیات غیرمستقیم که بر گمرک و نواقل و راهداری وضع شده بود، موجب تحمیلات بیشتری بر مردم می‌شد، و تحول مالی ای که خسرو ایجاد کرد، بیش از آن که به نفع ملت باشد به سود خزانه بود (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۴۱۳-۴۱۴).

اصلاحات ارضی و مالیاتی انوشیروان تا حدودی وضع خراج و وضع اجتماعی روستاییان را تغییر داد، ولی کار اساسی نتوانست انجام دهد. حوادث پس از وی نشانه‌ی این است که جانشینان وی با مشکلات بزرگی روبه‌رو شدند. وضع خراج در دوره‌ی خسرو پرویز به صورت ناهنجاری درآمد. یکی از اتهامات خسرو پرویز در دادگاه، ستمگری بر مردم و دشواری خراج و اخذ خراج عقب افتاده بود. خسرو پرویز متهم شده بود که «مردی ظالم را بر گماشتی بر رعیت تا بقایای خراج بیست ساله و سی ساله بستدی...». خسرو پرویز در دفاع از خود می‌گفت: «این خراج چیزی واجب است؛ ملک به خراج درست شود و این واجب است بر رعیت (مر) بیت المال را... خراج بر خلق را انوشیروان نهاد. رعیت را همه گرد کرد و همه زمینها را مساحت کرد و به همداستانی رعیت (آن خراج) را برنهاد، که هر ساله به ۳ یا ۴ بار بدهند. بهر سه ماه ربعی و بهر ۴ ماه ثلثی. این خراج را خراج همداستانی نام کردند یعنی مال الرضا، و این نام انوشیروان نهاد. و

مهر درم او شاهنشاه ملک دادگر انوشروان بود. و آن سرایی که خراج اندرو ستانند آن را سرای شمرده نام کردند و آن کسی که خراج نداد و بر خویشان جمع کرد حق است که ملک جان او بستاند و او را عقوبت کند...» (بلعمی، همان: ۱۰۰۳). به نظر می‌رسد، منابع اسلامی به این دلیل که خسرو انوشیروان نخستین کسی بود که مالیات‌ها را منظم کرد و نیز تعیین نمود که هرکس چه مقدار باید مالیات پردازد، شیوه‌ی او را عادلانه دانستند. چون براین اساس مأموران مالیاتی دیگر نمی‌توانستند از مردم بیشتر مالیات بگیرند.

نمی‌دانیم که به موجب قوانین مالیاتی مذکور، صدی چند از کل مالیات وصول شد و این وصول با اجرای اعمال فوق العاده صورت گرفت یا به تدریج و به اقتضای جریان اداری. با این حال یکی از ضعف‌های این روش جدید، به نظر می‌رسد عدم توجه به وقایع طبیعی و خشک‌سالی و دیگر موارد است؛ چون در این روش مقدار مالیات سالیانه‌ی ثابتی مشخص شده بود و در جلسه‌ای که خسرو اول تشکیل داد، یکی از دبیران به همین مسئله اشاره کرد، اما به دستور خسرو توسط دیگر دبیران کشته شد. بنابر جلسه‌ی دفاعیه‌ی خسرو پرویز نیز می‌بینیم که ظاهراً گاه مردم نمی‌توانستند مالیات‌ها را ماه به ماه بدهند و مالیات‌ها تا ۲۰ و حتی تا ۳۰ سال جمع می‌شد. همین مسئله نشان می‌دهد که اگر این وجوه متناسب با وضع مردم بود، دلیلی نداشت که تا ۲۰ و یا ۳۰ سال جمع بشوند.

بنابراین، ظاهراً خراج در دوره‌ی خسرو انوشیروان، با همه‌ی اصلاحات وی، تغییرات اساسی پدید نیاورد. داستان انوشیروان با وزیر خود در مخزن الاسرار نظامی، که از مآخذ ساسانی گرفته شده است، نشانه‌ای از وضع بد و ویرانی روستاها بر اثر دریافت خراج در آن دوره است. بنا بر این داستان، انوشیروان در شکارگاه دو جغد می‌بیند. جغدی برای کابین دختر خود چند ده ویران می‌خواهد. جغد دیگر که طرف اوست، نوید می‌دهد و می‌گوید با ستم خراج بگیران پادشاه، جای هیچ‌گونه نگرانی‌ای نیست، به تو صدها ده ویران خواهم داد. مسعودی در مروج الذهب، این داستان را به پادشاه ساسانی، بهرام و به پسر بهرام پیش از انوشیروان نسبت می‌دهد (خسروی، همان: ۱۱).

حتی اگر این داستان را متعلق به دوره های قبل از خسرو اول بدانیم ، به نظر می رسد که اصلاحات خسرو انوشیروان، بیش از آن که به نفع مردم بوده باشد، به نفع خزانه کشوری بوده و باعث افزایش خزانه شده است. مسعودی در این باره می گوید که بعد از سلطنت خسرو اول و انجام گرفتن اصلاحات در همان سال اول، درآمد عراق به صد هزار هزار و پنجاه هزار هزار درم رسید، که وزن هر درم هم یک مثقال بود. مسعودی اضافه می کند که تا قبل از قباد، بر هر جریب دو درم مالیات مقرر شده بود (مسعودی، ۱۳۴۹: ۴۰). گزارش نویسنده تاریخ قم که اشاره می کند ایرانیان از خراج نفرت داشتند و معتقد بودند که مقاسمه عادلانه تر است، نیز نشان می دهد که خراج چندان تغییری در وضع مردم به وجود نیاورده بود.

نتیجه گیری

دوره خسرو انوشیروان آخرین دوره ای اوج توسعه کشوری و لشکری ایران باستان و در واقع عصر طلایی نظم و انضباط سازمان حکومت ساسانیان بود. عدالت نسبی خسرو اول باعث شد در نزد اخلاف و در قیاس با مخالفان خویش، شایسته ای عنوان دادگر و همچون فرمانروایی آرمانی جلوه کند.

هدف این مقاله، بررسی اصلاحات مالیاتی خسرو انوشیروان بود. خسرو بعد از شورش مزدکیان، برای بهبود اوضاع کشور، دست به اصلاحات گسترده ای زد؛ از جمله این اصلاحات، اصلاح وضع مالیات گیری بود. اصلاحات مالیاتی او، در عین آن که به بی نظمی ها خاتمه داد، موجب افزایش بودجه خزانه کشوری شد و خسرو توانست با تأمین نسبی عدالت و تقویت سپاه که محصول عمده ای این اصلاحات بود، در نبرد با بیزانس موفقیت هایی به دست آورد. از مهم ترین ویژگی های این اصلاحات، نظم و انضباط آن بود و به نظر می رسد به دلیل همین نظم و این که مأموران مالیاتی نمی توانستند بیش از اندازه ای معلوم از مردم مالیات بگیرند، منابع اسلامی آن ها را عادلانه دانسته اند. اما برخی از منابع به معایب این اصلاحات نیز توجه کرده اند که در این پژوهش

به آن‌ها اشاره شد. به نظر می‌رسد مهمترین عیب این نظام مالیات‌گیری، توجه نکردن به عوامل طبیعی چون خشک‌سالی و قحطی بوده باشد. با این حال، شیوه‌ی مالیات‌گیری خسروانوشیروان باعث بهبود نسبی وضع مالیاتی در کوتاه مدت شد و به دلیل نظم و انضباطی دقیقش در امر مالیات‌گیری، بعدها در دوره‌ی اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفت. اما در بلند مدت، این شیوه مالیات‌گیری معایب خود را نشان داد و باعث نارضایتی مردم شد؛ چنان‌که منابع نشان داده اند مردم به دنبال برگشتن به شیوه‌ی گذشته‌ی مالیات‌گیری بودند و مشاهده می‌کنیم که یکی از اتهامات خسرو پرویز، ظلم و ستم در امر مالیات‌گیری بود، بنابراین، می‌توان گفت شیوه‌ی اصلاحات مالیاتی خسروانوشیروان، بیش از آن‌که به نفع مردم باشد، به نفع خزانه‌کشی بوده است.

کتابنامه

۱. آلتهايم، فرانتس. ۱۳۶۹، **کمک های اقتصادی در دوران باستان یا امپراتوری های بزرگ و همسایگان آنها**، ترجمه‌ی امیر هوشنگ امینی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲. آلتهايم، فرانتس، و روت استیل، با همکاری روبرت گوپل. ۱۳۸۲، **تاریخ اقتصاد دولت ساسانی**، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳. ابراهیم زاده، سیروس. ۱۳۵۰، **شاهان ساسانی و اقتصاد و فرهنگ ایران**، تهران، چاپخانه شکوری.
۴. ابن بلخی. ۱۳۷۴، **فارسنامه**، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسن توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، نشر بنیاد فارس شناسی.
۵. ابن خردادبه. ۱۳۷۰، **المسالك و الممالک**، ترجمه‌ی حسین قره چانلو از روی متن تصحیح شده دخویه، تهران، چاپخانه مهارت.
۶. ابن رسته، احمد بن عمر. ۱۳۶۵، **الاعلاق النفیسه**، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر.

۷. انزایی نژاد، رضا و یحیی کلانتری. ۱۳۷۳، **تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم** (ترجمه‌ی کتاب نه‌ایه الارب فی اخبار الفرس و العرب)، مشهد، انتشارت دانشگاه فردوسی.
۸. بلعمی، ابوعلی. ۱۳۸۶، **تاریخ بلعمی**، به تصحیح ملک الشعراى بهار و محمد پروین گنابادی، تهران، هرمس.
۹. پیگولوسکایا، ن- و، آ- یو- یا کوبوسکی، ای- پ- پطروشفسکی، ل- و- استریوا و آ- م - بلنیتسکی. ۱۳۴۶، **تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم**، ترجمه‌ی کریم کشاورز، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. پیگولوسکایا، ن. ۱۳۸۷، **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**. مترجم عنایت الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۱. خسروی، خسرو. ۱۳۸۰، **نظام های بهره برداری از زمین در ایران (از ساسانیان تا سلجوقیان)**، چاپ چهارم، تهران، نشر فرس.
۱۲. خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب. ۱۳۴۷، **مفاتیح العلوم**، ترجمه‌ی حسین خدیو جم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۳. دریایی، تورج. ۱۳۸۳، **شاهنشاهی ساسانی**، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس.
۱۴. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. ۱۳۴۶، **اخبار الطوال**، ترجمه‌ی صادق نشات، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۵. زرین کوب، عدالحسین و روزبه زرین کوب. ۱۳۸۶، **تاریخ ایران باستان، تاریخ سیاسی ساسانیان**، جلد ۴، تهران، سمت.
۱۶. زرین کوب، عدالحسین. ۱۳۷۷، **تاریخ مردم ایران**. جلد یکم، ایران قبل از اسلام کشمکش با قدرتها، تهران، امیرکبیر.
۱۷. شییمان، کلاوس. ۱۳۸۴، **مبانی تاریخ ساسانیان**، ترجمه‌ی کیکاوس جهان‌داری، تهران، فرزانه روز.

۱۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری. ۱۳۵۱، **تاریخ الرسل و الملوک (بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری)**. ترجمه‌ی صادق نشات، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۹. فرای، ریچارد نلسون. ۱۳۸۲، **تاریخ باستانی ایران**، مترجم مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۰. قمی، حسن بن محمد بن حسن. ۱۳۶۱، **تاریخ قم**. ترجمه‌ی حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح و تحشیه سید جلال الدین طهرانی، تهران، توس.
۲۱. کریستن سن، آرتور. ۱۳۱۴، **وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان**. ترجمه‌ی مجتبی مینوی، تهران، نشر کمیسیون معارف.
۲۲. کریستنسن، آرتور. ۱۳۸۵، **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه‌ی رشید یاسمی، ویراستار حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران، صدای معاصر.
۲۳. گیرشمن، رومن. ۱۳۸۸، **ایران از آغاز تا اسلام**. ترجمه‌ی محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۴. لمتون، ا. ک. س. ۱۳۴۵، **مالک و زارع در ایران**، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. لوکرنین، و. گ. ۱۳۸۷. "نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری: مالیاتها و بازرگانی" در **تاریخ ایران کمبریج**. جلد سوم: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ویراستار احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، قسمت دوم، صفحات ۷۱-۱۸۸، تهران، امیرکبیر.
۲۶. محمدی ملایری، محمد. ۱۳۷۵، **تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی**، جلد دوم: دل ایرانشهر، بخش اول، تهران، توس.
۲۷. مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین. ۱۳۴۹، **التنبیه و الاشراف**، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۸. مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین. ۱۳۷۴، **مروج الذهب**، ترجمه ی ابوالقاسم پاینده، جلد اول، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۹. مسکویه رازی، ابو علی. ۱۳۶۹، **تجارب الامم**، ترجمه ی ابوالقاسم امامی، جلد یک، تهران، سروش.
۳۰. مسکویه رازی، ابوعلی. ۱۳۶۹، **تجارب الامم**، ترجمه ی ابوالقاسم امامی، جلد یکم، تهران، سروش.
۳۱. مشکور، محمد جواد. ۱۳۶۶، **ایران باستان جلد پنچ: تاریخ سیاسی ساسانیان**. بخش دوم، تهران، دنیای کتاب.
۳۲. معین، محمد. ۱۳۷۹، **فرهنگ فارسی**، جلد سوم، تهران، امیر کبیر.
۳۳. مقدسی، مطهر بن طاهر. ۱۳۷۴، **آفرینش و تاریخ**. ترجمه ی محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه.
۳۴. نفیسی، سعید. ۱۳۸۳، **تاریخ تمدن ایران ساسانی**، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران، اساطیر.
۳۵. نولدکه، تئودور. ۱۳۷۸، **تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان**. ترجمه ی عباس زریاب، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۶. ویسهوفر، یوزف. ۱۳۸۰. **ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)**، مترجم مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس.
۳۷. هوار، کلمان. ۱۳۸۴، **ایران و تمدن ایرانی**، ترجمه ی حسن انوشه، تهران، امیر کبیر.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضع. ۲۵۳۶ شاهنشاهی، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، مجلد اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
39. Rubin, Zeev. 2009. "Kosrow I. Reforms" in *Encyclopedia of Iranica*. Edited by Ehsan Yarshater. available at .www.Iranicaonline.org.